



انتشارات پرند

# نژادنامه مادمان ایرانی شیرازنی

رضاقلی خان هدایت

مؤلف: رضا بهزادی و عطاسی  
مترجم: شکیب

www.ketab.ir

## ● نژادنامه پادشاهان ایرانی نژاد

● رضاقلی خان هدایت

● ویراستاران: محمدرضا بهزادی - فاطمه دانش شکیب



انتشارات پرنده

● مدیر هنری: همدانقلی - مدیر اجرایی: سیدامین سقراطی ● نمونه خوان: علی یوسفلوئی  
● خوشنویس عنوان کتاب: محمدحسین اسرافیلی ● بهار ۱۴۰۲ چاپ سوم ● تیراژ: ۳۰۰ نسخه  
● قیمت: ۱۴۵ ۰۰۰ تومان ● شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۵۵-۴۹-۸ ● چاپ و صحافی: مشکى  
● بخش: ققنوس ● حق چاپ محفوظ است ©

- سرشناسه: هدایت، رضاقلی خان، ۱۲۱۵-۱۲۸۸ ق.
- عنوان و نام پدیدآور: نژادنامه پادشاهان ایرانی نژاد/ ویراستاران: محمدرضا بهزادی، فاطمه دانش شکیب.
- مشخصات نشر: تهران: انتشارات پرنده، ۱۳۹۹.
- مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص: ۲۱×۱۴ س.م.
- فروست: جستارهای تاریخی: ۸.
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۵۵-۴۹-۸
- وضعیت فهرست نویسی: فبیا
- موضوع: ایران -- شاهان و فرمانروایان -- نسبنامه
- موضوع: Iran -- Kings and rulers -- Genealogy
- موضوع: ایران -- شاهان و فرمانروایان -- نسب نامه -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
- موضوع: Iran -- Kings and rulers -- Genealogy -- Early works to 20th century
- موضوع: ایران -- شاهان و فرمانروایان -- تاریخ -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
- موضوع: Iran -- History -- Kings and rulers -- Early works to 20th century
- شناسه افزوده: بهزادی، محمدرضا، ۱۳۶۵-، ویراستار
- شناسه افزوده: دانش شکیب، فاطمه، ۱۳۵۸-، ویراستار
- رده بندی کنگره: DSR ۱۴۵
- رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۱۰۹۲۲
- شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۷۹۱۱۵
- وضعیت رکورد: فبیا

## فهرست



یادداشت

۱۱

گزارش مختصری از شرح حال و آثار رضاقلی خان هدایت، پور محمدهادی  
هزار جریبی طبرستانی، ملقب به امیرالشعرا و درویش هدایت علی

۱۵

آثار و تألیفات رضاقلی خان هدایت

۳۶

کتاب‌هایی که به رضاقلی خان امیرالشعرا هدایت

منسوب شده‌اند

۵۷

معرفی و مشخصات نسخه‌های خطی نژادنامه پادشاهان ایرانی نژاد

۵۹

برخی از ویژگی‌های نگارشی هدایت و شیوه‌ی ویراست نسخه‌ی اساس

[نسخه‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران]

۶۹

سپاسگزاری

۷۲

فهرست منابع گزارش

۷۳

نژادنامه پادشاهان ایرانی نژاد

۷۷

## یادداشت



متن‌های مربوط به نژادشناسی و بررسی‌های طایفه‌ای و دودمان قومی، در هر گروه و ملتی فراوانی بسیار دارند. از نسب‌نامه‌های خانوادگی تا شجره‌شناسی‌های تبارشناسانه‌ی ملی و حتی دودمان‌پژوهی در سلاله‌های پادشاهی، همه سعی در حفظ راسخ خونی دارند که سازنده‌ی بدنه‌ی جامعه در طول قرون و اعصار بوده است.

بسیاری کسان به صحت یا جعل، خودشان را به خانواده‌های باسابقه منتسب می‌کردند یا شاهان برای رساندن خاندان خویش به شاهان سابق، نسب‌نامه می‌نوشتند، اما معمولاً حفظ اولاد و اطفال زاده‌ی خانواده‌ها، از ثبت آن در پشت قرآن کریم، فراتر نمی‌رفت و اگر اولادی نامدار می‌شد، بعدها به صرافت نسب‌نامه نوشتن برای خود می‌افتاد. در این میان، برخی نژادنامه‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند. چرا که فراوانی اینگونه متون در زبان فارسی، تا جایی که به دست ما رسیده‌اند، کم نیستند.

به طور عام، این متن‌ها برای مشروعیت بخشیدن به سلطنت و حکومت و یا برتری جویی قومی یا طایفه‌ای مورد استفاده قرار می‌گرفت

و قرار بود تا حاکم، شاه یا سلطانِ نوبخت، طایفه و خاندانش را، به سلاله‌های پیشین و باستانی متصل نماید، بلکه در سایه‌ی نام و نشان آن دودمان، بتوانند چند صباحی مشروعیتی هرچند گذرا و حتی آمیخته به جعل و قلب، برای خود دست و پا کنند. به خصوص که اگر به دودمان‌های قدرتمند پیش از ورود اسلام متصل می‌گردید، شاید برای مردمانِ خسته از سلوک و رفتارِ خلفای ظلم و جورِ اموی، عباسی و بعدها مهاجمانِ خونخوار و جزّارِ مغول، مقبولیت بیشتری می‌یافت. ازین رهگذر، نژادنامه‌هایی پدید آمد که نویدبخشِ بازستانیِ مُلک و مادرِ میهن از مهاجمان، در پرتو داستان‌هایی شبیه به وقایع مربوط به رویاروییِ فریدون و ضحاک و کاوه‌ی آهنگر در شاهنامه بود.

کتابِ پیشِ رو، گرچه سال‌ها پس از تشکیلِ حکومت‌هایی با تمایلاتِ ملی‌گرایانه و در دورانِ نزدیک به ایجادِ نهضتِ ملیِ مشروطیت به نگارش درآمده، اما پیداست که نقشِ مشابهی برای مشروعیت بخشی به سلطنت‌های از میان رفته‌ای را داشت که در آشفته بازارِ ضعفِ بغداد، خود را به ساسانیان متصل می‌دانستند و در آن روزِ جامعه‌ی یکصد و اندی سال پیش، هنوز برخی از بازماندگانِ آنها، مصدرِ خدماتی خُرد و کلان، در دولت و حکومت و سلطنت بودند و چندان هم بدشان نمی‌آمد که شاهِ وقت بداند آنها نیز برای خود زمانی سروری داشته‌اند و نَسَب و حَسَبِ ایشان حتی از وی برتر و بالاتر است و اگر دودمانِ قاجار خود را از غُزهای مهاجر و چنگیزیانِ خون‌ریزمی‌داند، ایشان از دودمانِ ساسانی برخوردار و حاملِ خونِ خالص‌تر، با تمامِ سجایایِ آن هستند، غافل از آنکه علمِ ژنتیک در آینده، سخن‌های بسیاری برای بازگو کردنِ حقایقِ این ادعاها خواهد داشت.

نخستین بار در تابستان ۱۳۹۳، به دنبال بررسی‌هایی که درباره‌ی

خاندان ساسانی و وابستگان آنها برای تالیف کتاب «تاریخ کهن و معاصر خاندان بهزادی» داشتم، نام نژادنامه‌ی پادشاهان ایرانی نژاد را در رساله کوچک و گم‌نامی خواندم. پیش از این درباره‌ی اجداد و نیاکان بهزادی‌ها، جسته، گریخته مطالبی را دیده بودم و می‌دانستم که این طایفه، شاخه‌ای از ملک‌زادگان دودمان ساسانی در مسقط‌الراس خویشت، مازندران هستند و نسب ایشان با بیست واسطه به جلال‌الدوله کیومرث یکم استندارپور بیستون شرف‌الدوله گسسته رسیده و از وی با پنجاه و یک واسطه به پیروز یکم، هجدهمین شاهنشاه ایرانیان و انیرانیان از دودمان ساسانی منتهی می‌گردد.

البته بعدها که مستندات بیشتری را بررسی کردم و چون، از چند و چون ساز و کار علم ژنتیک در جانورشناسی، به فراخور شاخه‌ی اصلی تحصیلی خویش، آگاهی نسبتاً خوبی داشتم، دانستم که نسب‌شناسی این طایفه در برخی از شاخه‌ها و پایه‌هایش، دارای ضعف و حرف و حدیث‌های بی‌شماری است. اگرچه حتی دانشمندانی چون پروفسور فقید، چراغعلی اعظمی سنگسری درباره آنها پژوهش ارزشمندی چون گاوبارگان پادوسپانی یا بازماندگان ساسانیان در رویان را تألیف کرده که در نوع خود از کتاب‌های نسب‌شناسی کم‌نظیر به شمار می‌آید؛ و یا اینکه حتی به این نسب، در دفتر انساب و مجموعه خانوادگی بهزادی که به استناد کتاب‌هایی از تاریخ مازندران و رویان و طبرستان نگارش شده و در سال ۱۳۱۹ شمسی به طبع رسیده، اشاره‌ها رفته است. مع‌الوصف هنوز هم در امتداد و اتصال این طایفه تا ساسانیان، نقاط تاریک و مبهمی برایم وجود دارد.

به هرروی، نام و سپس جسمِ رَقومی نژادنامه ازین جستجوها به دست آمد و همین مرا کفایت بود که رضاقلی خان هدایت که دانشمندی بزرگ و ادیبی وارسته و ظریف نژاد به شمار می‌آمده، آن را به تحریر

کشیده است و در بخشی از آن به تفصیل از اجداد طایفه ی بهزادی؛ پادوسپانیان طبرستان سخن گفته و آنها را مورد واکاوی و تحلیل قرار داده است و این خود گواه بزرگی بر اهمیت این رساله از منظر نسب شناسی تاریخی است. با این وجود در میان آثار تاریخی منتشر شده از هدایت، نام این کتاب دیده نشد و پیدا بود از زمان تألیف، چندان مورد توجه کسی قرار نگرفته است.

گرچه در باب فرجام و سرنوشت دودمان ساسانی پس از سقوط دولت و سروری ایشان در چندین مرحله به دست فاتحین مسلمان سخن های بسیار رفته و از پراکندگی فرزندان و فرزندزادگان ایشان از شمال آفریقا تا ژاپن، منابعی کهن و نوبه عربی و سریانی و فارسی و لاتین و حتی چینی و ژاپنی موجود است، اما شاید در هیچ یک از این آثار به این دقت و اختصاص از سرنوشت گروهی عظیم از آنها سخن گفته نشده باشد که این نکته نیز بر اهمیت این رساله و کوشش در انجام ویراست آن خواهد افزود.

اکنون دادار جهان آفرین را سپاس می گویم که پس از شش سال، این نسخه به طبع رسیده و در دسترس پژوهشگران قرار گرفته است. به فرموده ی انوری:

باش تا صبح دولت بدمد

کاین هنوز از نتایج سحرست

به ثمرنشتن این کار را، وامدار صبوری و دقت نظر و کوشش های همکار ارجمند، سرکار خانم فاطمه دانش شکیب می دانم که با سعه ی صدر و وسواس فراوان، مرا در به پایان بردن این ویراست، یاری رسانیدند.

محمد رضا بهزادی

آردیبهشت ماه ۱۳۹۹